

اهمیت آیینی یسن هفت‌ها

پروفیسور الموت هینتزه*
ترجمه دکتر عباس آذرانداز**

مقدمه

مناسک همواره نقش مهمی در حوزه عمل دینی ایفا کرده است. این امر بویژه در مورد سنت زرتشتی صادق است که بنظر می‌آید وجود مناسک در بقای ایمان عاملی تعیین کننده بوده است. وجود همین مناسک و آیین‌ها سبب شده است که متون مقدس و کهن زرتشتیان - اوستا، به ایرانی باستان، و ترجمه‌ها و تفسیرهای آن به فارسی میانه، معروف به زند - به رغم فراز و نشیب تاریخ باقی مانده، از بین نرود.

متن اوستای موجود به دو گروه قابل تقسیم است که آنها را بر مبنای کاربرد آیینی‌شان می‌توان تعریف کرد. دسته اول مشتمل بر متونی است که در مراسم آیینی توسط موبدان قرائت می‌شود. این متون عبارت است از یسنا «نیایش»، ویسپرد «همه ردان»، ویدیو داد «قانون آنانی که دیوان را می‌رانند»، و گروه دوم که مرکب است از متن دعاسرودهایی به نام «یشت»، و خرده اوستای موجود که دعاهایی است که همه افراد جامعه می‌توانند قرائت کنند. همه این متن‌ها به این دلیل که قرائت به زبان اصلی، یعنی اوستایی (زبان مقطعی خاص از تاریخ)، واجب دینی تلقی می‌شده، باقی مانده‌اند، اما متن‌هایی که نقش آیینی نداشته یا عموماً از بین رفته یا نهایتاً بسیار مغلوط منتقل شده اند.

مراسم یسنا بی‌شک مهمترین آیین در میان آیین‌های زرتشتی است. یسنا بنا به درخواست یکی از افراد جامعه، روزانه برگزار می‌شود. شروع مراسم، هنگام طلوع آفتاب، زمان هاون‌گاه

است. امروزه یسنا را دو مقام رسمی مراسم، یکی روحانی اصلی (زوت) و یک دستیار (راسپی) در قسمتهای داخلی آتشکده برگزار می‌کنند. آنها این مراسم را برای فردی از افراد جامعه که درخواست و مبلغی پول بابت آن پرداخت کرده است، اجرا می‌کنند. افراد عادی هم می‌توانند در این مراسم شرکت کنند، اما حضور آنان الزامی نیست.

علاوه بر این مراسم، متنی از اوستا نیز که در هنگام برگزاری آن خوانده می‌شود، یسنا نام دارد که مشتمل بر مهم‌ترین دعاهای آیینی زرتشتی است. یسنا ۷۲ فصل دارد که در زبان اوستایی به فصل‌های آن hāiti گفته می‌شود. این اسم که مختوم به -ti است از ریشه hā- (= ودایی -sā) «بستن» مشتق شده و تحت الفظی «بند» معنی می‌دهد. احتمالاً هائیتی از لحاظ قاموسی یعنی یک «بسته» یا تألیف ادبی مستقل. کمر بند مقدس زرتشتیان، کُشتی که با ۷۲ رشته بافته شده است، به گونه‌ای نمادین بیانگر هفتاد و دو هائیتی یسناست. یسنا برای زرتشتیان همواره از منزلت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به همین علت کل متون اوستایی کهن موجود در مرکز آن قرار دارد. از جمله این متون کهن، سرودهایی است به نام گاهان که طبق سنت به زرتشت، پیامبر و پایه‌گذار دین زرتشتی منسوب می‌باشد. در مرکز گاهان نیز متن مهم دیگری وجود دارد به نام یسنای هپتنگهائیتی haptanḥāiti «نیایش هفت فصل». همان گونه که نام آن نشان می‌دهد این متن متشکل از هفت هائیتی است.

بدین ترتیب در مرکز یسنای هفتاد و دو فصلی، یک یسنای کوتاه هفت فصلی دیگر وجود دارد، اما با وجود این که نام این یسنای کوتاه‌تر را در سرتاسر اوستا می‌توان دید، بنظر می‌آید نامی از متن هفتاد و دو فصلی در جایی برده نشده است.^۱ ظاهراً نه در خود اوستا نه در هیچ کدام از نسخه بدل‌های آن به این متن به عنوان یسنا اشاره نشده است. این امر را حالت شناور اصطلاحات فارسی میانه نیز تایید می‌کند که یشت، یزش و یسن در آن، تنها دلالت بر آیین مهم اوستایی یسنا دارد. افزون بر این همان گونه که آنتونیو پانینو بیان کرده است در بسیاری موارد، به یشت‌ها نیز عنوان یسن داده شده است.^۲ جان کلنز نشان داده است که به کار بردن عنوان یسنا برای متن ۷۲ فصلی حاصل تحقیقات اوایل قرن نوزدهم است که بورنوف دیگر بار این اصطلاح را از نو احیا کرد.^۳

هدف از این مقاله بررسی نقش هفت‌هاست در دو آیین مهم زرتشتی و تعیین این که تا چه میزان بخش‌های متأخر یسنا تحت تأثیر یا در واقع وابسته به بخش مرکزی آن است. نخست از جایگاه یسنای هپتنگهائیتی «یسنای ۷۲ فصل» و سپس از دو آیین دیگر زرتشتی مبتنی بر

یسنا یعنی آیین‌های ویسپرد و وندیداد سخن خواهیم گفت. خواهیم دید که هفت‌ها در کانون هر کدام از آیین‌های سه‌گانه زرتشتی جای دارد. به این نکته خواهیم پرداخت که چگونه چنین جایگاهی می‌تواند نشان دهد که یسنای هپتنگهائیتی (هفت‌ها)، متن کانونی آیین‌های مهم زرتشتی است. صحت این نظر را بررسی کاربرد واژه یسنا در اوستا بهتر تأیید می‌کند، که نتیجه آن نشان می‌دهد در سراسر زمان تألیف متون اوستایی، یسنای هپتنگهائیتی به گونه‌ای تمام-عیار با عنوان نیایش یا یسنا تلقی می‌گردید و الگویی برای دعا‌های ستایش آمیز اوستای جدید با مشخصه وجود فعل yazamaide «می‌ستاییم» محسوب می‌شد.

یسنای هپتنگهائیتی و ساختار یسنا

همان گونه که در بالا گفته شد متنی که در طول آیین یسنا خوانده می‌شود متشکل از هفتاد و دو فصل یا هائیتی است. این رقم با تکرار برخی فصل‌های خاص عامدانه و ساختگی به دست آمده است. برای مثال یسن ۵ به طور کامل تکرار یسن ۳۷ یا فصل سوم هپتنگهائیتی (هفت‌ها) است. کل یسن ۴۷ که یک سرود گاهانی است، دوبار در یسن ۱۸ و یسن ۶۸ تکرار شده است. نمونه‌های متعدد دیگری در اوستای جدید دیده می‌شود که از اوستای کهن بدان ضمیمه شده است. با وجود این به نظر می‌رسد تقسیم بندی یسنا به هات‌های موجود، قدیمی است.

یسنا به سه بخش بزرگ قابل تقسیم است. دو بخش اوستای جدید و یک بخش دیگر یعنی اوستای کهن که در میان آن دو بخش جای گرفته است. بخش مرکزی مشتمل است بر متون اوستای کهن یعنی گاهان، دعا‌های مقدس در دوسو و یسنای هپتنگهائیتی که در قلب آن قرار دارد. بدین ترتیب یسنا ارائه کننده یک ساختار ترکیبی متحدالمرکز است.^۴ دایره‌های بیرونی آن را ستایش‌هایی خطاب به اهورامزدا، آفریده‌های مینویی و مادی او تشکیل می‌دهد. نیمه اول یسنا، یسن ۱ تا ۲۷ دارای سه بخش دعا، شامل یسن ۱ تا ۸، ۴ تا ۱۸ و ۲۲ تا ۲۶ می‌باشد. آنها به ترتیب خطاب به اهورامزدا، امشاسپندان، بخش‌های مختلف زمان به نام ratu- و دیگر ایزدان هستند. این بخش‌ها به تناوب با متون و ستایش‌هایی که به موضوعات ویژه‌ای اختصاص دارند همراه می‌شوند، از قبیل ستایش هوم (یسن ۹ تا ۱۱)، آیین مزدیسنی (یسن ۱۲) و تفسیرهایی بر سه دعای مقدس (یسن ۱۹ تا ۲۱). بخشی که پس از هسته اوستای کهن می‌آید، یعنی یسن ۵۷ تا ۷۲ محتوای آن را تعداد کمی دعا و عمدتاً متونی با مضمون خاص تشکیل

می‌دهد که عبارت است از ستایش سروش (یعنی ۵۶-۵۷)، گفتار در پرورش گله و رمه (یسن ۵۸)، درود خاندان مزدیسنان (یسن ۶۰)، ستایش آتش (یسن ۶۲) و آب زوهر (یسن ۶۳ تا ۷۰). نقطه مرکزی کل ۷۲ فصل یسنا، یسن ۳۶ و یسن ۳۷ یعنی دومین و سومین فصل هفت-هاست. یسن ۳۶ درباره آتش مینویی اهورامزدا است که انگیخته و دعوت می‌شود تا فرود آید و با آتش آیینی درآمیزد. در طول اجرای آیین، این فرایند باید بین بندهای ۲ و ۳ اتفاق افتد، زیرا که در بند ۳ آتش آیینی با آتش مینویی اهورمزدا و با سپندترین مینویش یکی می‌شود:^۵

(۱) یسن ۳/۳۶

*ātarš vōi mazdā ahurahiiā ahī
mainiiuš vōi ahiiā spēništō ahī
hiiat vā tōi nāmanam vāzištəm
ātarə mazdā ahurahiiā
tā 𐬰𐬀 pairijasāmaidē*

تو به راستی آتش سرور دانا هستی
تو به راستی سپندترین مینوی او هستی
به تو نزدیک می‌شویم
ای آتش سرور دانا
با آنچه که نیرومندترین نام‌های توست.
در پایان این فصل، در بند ۶، آتش آیینی به عنوان زیباترین پیکر اهورامزدا مورد خطاب قرار می‌گیرد:

(۲) یسن ۳۶/۶

*sraēštəm aṭ tōi kəhrpēm kəhrpəm
āuuāēdaiiamahī mazdā ahurā
imā raocā
barəzištəm barəzimanəm auuaṭ
yāṭ *huuarə auuācī*

ما اعلام می‌کنیم ای سرور دانا
که این روشنایی‌ها
زیباترین پیکرپیکرهای تو هستند
از زمانی که بلندترین بلندی‌ها
خورشید نامیده شد.

بنابراین می‌توان تصور کرد که از لحظه اجرای آیین به بعد، ستایشگران خود را در حضور اهورامزدا حس می‌کنند که در قالب آتش آیینی که در مقابل آن ایستاده‌اند تجلی یافته است. ستایش در فصل‌های ۳۷-۳۹ به بخش مرکزی خود وارد می‌شود. استفاده مکرر از صورت فعلی «می‌ستاییم» به اوستایی yazamaidē در این فصول که جمعاً هفده بار در آن به کار رفته، ویژگی منحصر بفرد این متن کوتاه است. در واقع کاربرد این صورت خاص در اوستای کهن، محدود به همین سه فصل می‌شود که عبارت کلیشه‌ای ستایش به معنای واقعی در آن به کار رفته است.^۶

نخست اهورمزدا به عنوان خالق گاو و راستی، خالق آبها و گیاهان و روشنی‌ها و همه خوبی‌ها دانسته، ستایش می‌شود:

(۳) یسن ۳۷/۱

*iθā āt yazamaidē ahurəm mazdqm
yē gqmčā ašəmčā dāt
apascā dāt uruuarāscā van^vhīš
raocāscā dāt būmīmčā
vīspācā vohū*

بدین ترتیب می‌ستاییم سرور دانا را
که گاو و راستی را آفرید
او آبها و گیاهان نیک را آفرید
روشنی و زمین را
و همه خوبی‌ها را آفرید

یسن ۳۷/۲

*ahiiā xšaθrācā mazēnācā hauuapaṅhāiścā
tēm at yasanam pauraatātā yazamaidē
yōi gōuš hacā šīientī*

به سبب شهریاری و بزرگی و آفرینندگی‌اش
او را با برتری ستایش می‌ستاییم
(ما) که در کنار گاو جای داریم

این بند با مضمون سرود گاهانی ۴۴/۳-۵ همخوانی دارد و همینطور با عبارت yasanam pauraatātā «با برتری ستایش» یسن ۳۳/۱۴ مربوط است. در سرود بعدی اهورامزدا در نام‌های اهورایی‌اش و برای هدایت‌گزینه‌های (-frouašī-) مردان و زنان پاک

ستوده می‌شود، یسن ۳۷/۱ نام‌های اهورایی او در بند پایانی این فصل تک تک فهرست شده- اند. این نام‌ها عبارتند از: «بهترین راستی» (یسن ۳۷/۴)، «اندیشه نیک» (vohu manah)، «شهریاری نیک» (vohu xšaθra)، «دین نیک» (van^hhī- daēnā)، «خوشی نیک» (van^hhī- fsəratū-) و «درست منشی نیک» (van^hhī- ārmaiti-) یسن ۳۷/۵. ستایش در فصل ۳۸ با ستودن زمین و زنان (gənā-) که از آن اهورمزدا هستند ادامه می‌یابد (۳۸/۱). آنها با نیروهایی چون نثار چربی (īžā-)، پالودگی (yaošti-)، کمال (fərašti-)، و درست منشی (ārmaiti-)، در طول اجرای آئین، هویت می‌یابند. علاوه بر آن پاداش (ašī-)، نیرو (īš-)، نذر (āzūiti-)، دعا (frasasti-)، و برکت (pārəndi-) نیز ستوده می‌شوند. در فصل مرکزی هفت‌ها، یعنی یسن ۳۸، ستایش با ستودن آنها به اوج خود می‌رسد (یسن ۳۸/۳-۵).

یسن ۳۹، سومین و آخرین فصل yazamaidē دار هفت‌ها، روان گاو، سازنده گاو، علاوه بر آن روان خود ستاینندگان، همچنین روان چارپایان اهلی (یسن ۳۹/۱) و ددان بی زیان و روان پرهیزگاران (یسن ۳۹/۲) و بالاخره امشاسپندان مذکر و مونث را می‌ستاید. در بند آخر همه نیرو به اهورامزدا بخشیده می‌شود (یسن ۳۹/۴).

مدتها اهمیت دینی و ادبی یسنای هپتنگهائیتی به دلیل همین بخش‌های دارای فعل yazamaidē آن ناچیز انگاشته می‌شد. تصور می‌گردید هفت‌ها از لحاظ ویژگی شبیه بندهای مطول و کلیشه‌ای yazamaide دار در برخی بخش‌های اوستایی جدید است. ولی در پی تحقیقات یوهانا نارتن (۱۹۸۶ م.)، هم اکنون روشن شده است که هفت‌ها در کنار گاهان و دعا‌های مقدس به پیکره همگن ادبیات کهن اوستایی تعلق دارد. این ارزشیابی مجدد، دیدگاه قبلی را در مورد متون اوستایی جدید نیز تغییر داد. از جمله این که هفت‌ها نه تنها شبیه عبارت‌های دعایی کلیشه‌ای اوستای متاخر نیست، بلکه برعکس، این اوستای جدید است که در آن تلاش شده متونی شبیه به بخش مرکزی هفت‌ها نوشته شود. روشن‌ترین گواه این مدعا استفاده ثابت از صورت اوستایی کهن yazamaide «می‌ستاییم» در اوستای جدید است.^۸

در اوستای جدید، مدایح و دعاها مانند هفت‌ها با ستایش اهورامزدا شروع می‌شود:

(۴) یسن ۱/۱

*niuuāēdauemi haṅkārauemi
daθušō ahurahe mazdā
raēuuatō x'arəṇaj^hhatō
mazištaheca vahištaheca sraēštaheca
x raozdištaheca x raθβištaheca hukəṛəptəmaheca*

دعوت می‌کنم، انجام می‌دهم
(ستایش) دادار اهورامزدا
که رایومند و فرهمند است
بزرگترین، بهترین، زیباترین
استوارترین، خردمندترین، شکیل‌ترین

صفت‌های عالی *mazištaheca vahištaheca srēštaheca* در آغاز یسن (۱/۱) معرف اهورامزدا هستند که اولین بخش *yazamaide* دار هفت‌ها یعنی بندهای ۱ و ۲ یسن ۳۷ را به خاطر می‌آورند، که در آن آمده است اهورامزدا همه چیزهای نیک را «به سبب بزرگی‌اش» (۳۷/۲) *mazānā* آفریده است. این مفهوم در اوستای جدید در عبارت تکراری *masanaca vañhanasca sraiiianasca* «از طریق بزرگی، خوبی و زیبایی» انعکاس یافته که صورت اضافی آن نیز با زبانی شبه کهن به صورت *masānascā vañhānascā sraiiianascā* در یسن ۵۸/۴ دیده می‌شود.^۹ علاوه بر آن همان گونه که جان کلنز اظهار کرده است^{۱۰}، صفت اهورامزدا *hukərəptəma* «زیباترین پیکر» را در یسن ۱ بند ۱ می‌توان بر مبنای یسن ۳۶/۶ تعبیر و تفسیر کرد، که در آن آتش آیینی به عنوان زیباترین پیکر مورد خطاب قرار می‌گیرد. ستایش اهورامزدا در یسن ۱/۲ با ستایش امشاسپندان دنبال می‌شود که نام آنها یک به یک می‌آید:

(۵) یسن ۱/۲

*niuuāēdauemi hañkārauemi
vañauue manəje
ašāi vahištāi
xšaθrāi vairiīai
spəntaiīai āratōe
hauruuatβiia amərətəβiia
gəuš tašne gəuš urune
āθre ahurahe mazdā
yaētustəmāi aməšanəm spəntanəm*

دعوت می‌کنم، بجای می‌آورم (ستایش را)
برای ان‌دیش‌ه نیک
برای به‌ترین راستی
برای شهریارای مطلوب
برای نیک منشی افزون بخش

برای دو کمال و بی مرگی
 برای سازنده گاو و برای روان گاو
 برای آتش اهورامزدا
 آنکه از میان بی مرگان افزون بخش بلندترین جایگاه را گرفته است.

این فهرست تقریباً با آنچه که در هفت‌ها یسن ۳۷ بندهای ۳ و ۴ و یسن ۳۹ بند ۱ آمده است مطابقت دارد. همه ذواتی که در یسن ۱ و ۲ ذکر شده اند در هفت‌ها ستوده نمی شوند، شاید دلیل این امر آن باشد که در هفت‌ها، امشاسپندان مانند آنچه که در اوستای جدید معمول است یک گروه ثابت هفت‌تایی نیستند. اما شگفت این که هم در یسن ۱ و ۲ و هم در یسن ۳۹ بند ۱ سازنده گاو و روان گاو ستوده می‌شود. علاوه بر آن آتش (-ātar) صراحتاً یک امشاسپند نامیده می‌شود. از این رو از جنبه الهیات یسن ۱/۲ با عقاید هفت‌ها موافقت بیشتری دارد تا با عقاید مطرح شده در نظام معیار اوستای جدید. تلمیح دیگر این بند به هفت‌ها می‌تواند در لقب آتش -yaētuštams «بلند جایگاه‌ترین» باشد، چرا که می‌توان مرجع آن را یسن ۳۶ دانست.^{۱۱}

این دعای نخست در یسن ۱ با ستایش‌های مربوط به بخش‌های مختلف زمان دنبال می‌شود. ستایش روز، یسن ۱ بندهای ۷-۳، ماه (یسن ۱ بند ۸)، سال (یسن ۱ بند ۹)، و همه تقسیمات زمان vīspē ratuuō (یسن ۱ بند ۱۰). این فهرست با ستایش اهورامزدا (یسن ۱ بند ۱۱)، آتش (-ātar)، هم پسر اهورامزدا و هم همه آتش‌ها، و همه آب‌ها و گیاهان ادامه می‌یابد:
 (۶) یسن ۱/۱۲

*niuuaēdaiemi hankārauemi
 tauua āθrō ahurahe mazdā puθra
 maī vīspaēibiiō ātərəbiiō
 niuuaēdaiemi hankāraiiemi
 aiβiiō vaŋ^hhibiiō
 vīspanq̄mca apq̄m mazdaδātanq̄m
 vīspanq̄mca uruuaranq̄m mazdaδātanq̄m*

فرا می خوانم و بج‌لای می‌آورم (ستایش)
 تو، آتش، ای پسر اهورامزدا
 با همه آتش‌ها
 فرا می‌خوانم و بجای می‌آورم (ستایش)
 آب‌های نیکی

و همه آبهای مزدا داده را

و همه گیاهان مزدا داده را

یسن ۱ بند ۱۲، یادآور یسن ۳۷ بند ۱ است که در آن اهورامزدا به عنوان آفریدگار آنها و گیاهان نیک ستوده می‌شود. بر مبنای همین ملاحظات می‌توان نتیجه گرفت که الهام بخش اولین هات یسن ۱ ستایش‌های هفت‌ها بوده است. در مورد بخش‌های دیگر نیز که مضمون ستایش دارند همین استفاده را می‌توان دید، یعنی یسن های ۴-۲ و ۸-۶، همچنین یسن ۱۸-۱۴ و ۲۶-۲۲ که بازگوی مطالب یسن ۳ و ۴ است، به این دلیل که ساختار آنها مشابه یسن ۱ است. یسنای هپتنگهائیتی به عنوان یک متن ستایشی منحصر بفرد الگوی بسیاری از بندهای yazamaide دار متن های اوستایی جدید یسنا قرار گرفته است.

تکرار یسن ۳۷ در آغاز یسن ۱ ارتباط بین فصل‌های نخست یسنا و هفت‌ها را بیشتر می‌کند. یسن ۵ تکرار یسن ۳۷ است که هشت هات نخست یسن ۱ را به دو نیمه تقسیم می‌کند. پس از آن، یسن ۶ با عبارتهای yazamaide دار خود در ستایش گروهی از ایزدان مطابق یسن ۲، یسن ۱۷ و ۵۹ است، و یسن ۷ فقط با تفاوت در فعل مطابق یسن ۳ است. یسن ۷ در بندهای ۲۴-۲۵ با بندهایی که از هفت‌ها گرفته شده است (یسن ۶-۴۱/۵) خاتمه می‌یابد.

هر کدام از فصل‌های هفت‌ها با دعای ینگه‌هاتام به پایان می‌رسد. هفت‌ها از این لحاظ با بخش‌های yazamaide دار قسمت اوستای نو یسنا و هم با یشت‌ها، که در آنها هر کرده با این دعا خاتمه می‌یابد، مشترک است.^{۱۲} این نوع ادبیات ستایشی اوستایی را با مضمون ینگه‌هاتام که ستایش طیف وسیعی از ذوات نر و ماده را در کنار اهورامزدا توجیه و امر کرده، می‌توان تفسیر کرد. ستایشی این چنین، مضمون مشترک یسنای هپتنگهائیتی، بخش‌های مدحی اوستای جدید و نیز یشت‌هاست.^{۱۳}

جایگاه هفت‌ها در مراسم ویسپرد و وندیداد

متن یسنا که احتمالاً کهن ترین شالوده آیین عبادی زرتشتی را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای تنظیم شده که در مرکز خود همه متون اوستایی کهن را جای داده است. در دوره‌های پس از عصر اوستای کهن، هم از طریق افزودن متن‌های متفاوتی قبل یا بعد از قسمت مرکزی اوستای اصیل کهن، و هم از طریق درج بخش‌هایی از اوستای جدید به هسته اوستایی کهن یسنا حجیم‌تر شده است. این درج‌ها همواره در نقطه‌های کلیدی اعمال شده است. شگفت این که دو

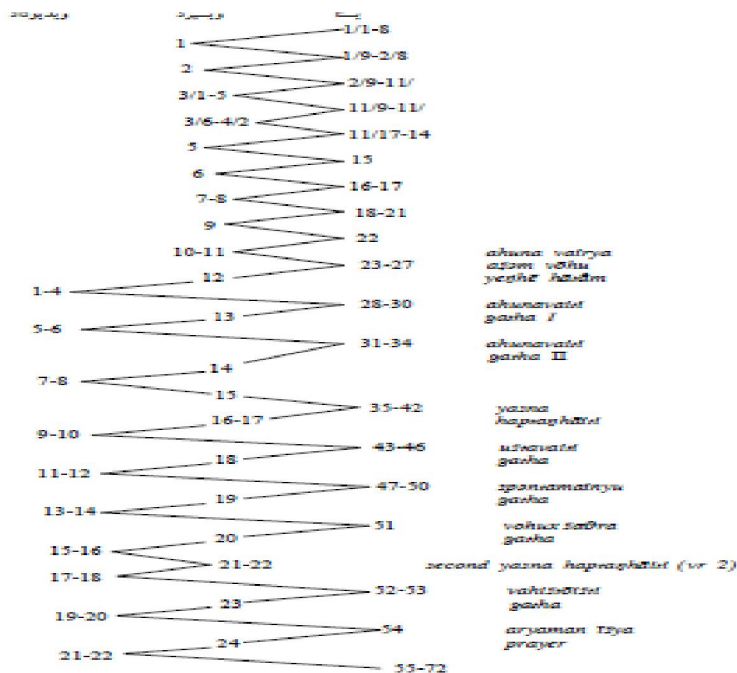
مورد درج را یعنی بند ۱ یسن ۳۵ و یسن ۴۲ را در مجاورت مستقیم هفت‌ها می‌توان یافت؛ یکی قبل از هفت‌ها و یکی پس از آن. دیگر یسن ۵۲ است که پس از گاه چهارم درج شده است، و بدین طریق گاه چهارم را از گاه پنجم یعنی یسن ۵۳ جدا می‌سازد. علاوه بر این، با اضافه شدن فصل‌هایی دیگر به یسنا، مراسم ویسپرد شکل گرفته، به همین منوال، این یک نیز به نوبه خود با گسترش بیشتر، بزرگترین آیین زرتشتی یعنی مراسم وندیداد را به وجود آورده است. مضمون فصل‌ها یا کرده‌های ویسپرد با فصل‌های یسنا که قبل یا بعد از آن قرائت می‌شود مرتبط است. برای نمونه ویسپرد ۶ که بعد از هفت‌ها خوانده می‌شود آن متن را می‌ستاید. اما مضمون بیست و دو فصل (فرگرد) ویدیوداد نه ارتباطی با یسنا دارد و نه با متن‌های انضمامی ویسپرد. روشن است که نحوه جفت قرار گرفتن آنها کاملاً ساختگی است. اما این نکته شایان توجه است که جفت فصل‌های ویدیوداد، در میان یا اطراف اوستای کهن ضمیمه شده‌اند.^{۱۴}

طرح قرارگرفتن آنها بدین قرار است: یک گاه مثلاً سپندومدگاه (یسن ۵۰-۴۷) با دو کرده از ویسپرد همراه می‌شود، ویسپرد ۱۸ قبل و ویسپرد ۱۹ پس از آن. ویسپرد ۱۸ در ستایش اشدوگاه پیشین است در حالی که ویسپرد ۱۹ سپندومدگاه را پس از آن می‌ستاید. بدین ترتیب یک گاه به تناوب با یک کرده ویسپرد همراه می‌شود. در مراسم وندیداد، فصل‌های ۱۴-۱۳ ویدیوداد پس از کرده ۱۹ ویسپرد قرائت می‌شود که سپندومدگاه قبل از خود را می‌ستاید و قبل از وهیشتوئیش گاه یعنی یسن ۵۱ قرار دارد (نک ← صفحه بعد نمودار ۱).

طرح ساده فوق در مورد یسنای هپتنگهائیتی به گونه‌ای دیگر است. بعد از آخرین هائیتی اهنودگاه، یعنی یسن ۳۴، ویسپرد ۱۴ در ستایش آن گاه قرائت می‌شود. در مراسم وندیداد پس از آن فرگرد ۸-۷ ویدیوداد خوانده می‌شود، اما در قرائت آن همانند گاهان مستقیماً بر سر آن یسن نمی‌رود بلکه یک فصل دیگر ویسپرد هم ضمیمه می‌شود گویی در نقش نشانه‌ای برای شروع بخش جدید عمل می‌کند. افزون بر این یسنای هپتنگهائیتی با فصلی از اوستای جدید دنبال می‌شود. این متن همچون یسن ۴۲ که به دلیل ستایش گاه‌های قبل از خود به کرده‌های ویسپرد شباهت دارد، بخشی از یسنای موجود را تشکیل می‌دهد. یسن ۴۲ امشاسپندان، هپتنگهائیتی، آفریده‌های مادی اهورامزدا، به ویژه آبها را می‌ستاید. پس از یسن ۴۲، دو (نه یک) کرده از ویسپرد، کرده ۱۶-۱۷ می‌آید که در هر دوی آنها یسنای هپتنگهائیتی ستوده می‌شود. در مراسم وندیداد، پس از این دو کرده، دو فرگرد از ویدیوداد، فرگرد ۹-۱۰

قرائت می‌شود. این ترتیب مؤید این مطلب است که هم یسنا و هم ویسپرد با قرار دادن فصل-های اضافی به قبل و بعد از هفت‌ها، اهمیت ویژه‌ای به آن داده‌اند. به نظر می‌رسد کل ویسپرد با قرائت متون کهن اوستایی هماهنگی خاصی پیدا می‌کند، که در آن متون کرده ۸-۱/۳، یعنی همان آغاز ویسپرد بدان توسل می‌جوید.

گسترش یافته یسنا از طریق ویسپرد و ویدیوداد



موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. کرده ۲۱ ویسپرد که بین کرده ۲۰ و ۲۱ قرائت می‌شود «یسنا ی هپتنگهائیتی دیگر» را می‌ستاید. بارتولومه عقیده داشت که عبارت *apara-yasna-haptañhāiti* به فصلی از اوستای جدید، یعنی یسن ۵۲ اشاره دارد.^{۱۵} دو مشکل با این تعبیر وجود دارد؛ اول اینکه کرده‌هایی از ویسپرد که یسنا را می‌ستاید معمولاً پس از آنها می‌آیند نه پیش از آنها، دیگر اینکه گرچه یسن ۵۲ ستایش اهورامزدا و آفریده‌هایش را در بردارد، اما هم از لحاظ زبانی و هم از نظر مضمون متنی است که کاملاً با هفت‌ها متفاوت است. این امر روشن می‌کند که یسن ۵۲ را نباید به هیچ وجه یسنای هپتنگهائیتی «دیگر» یا «بعدی» نامید.

تفسیر دارمستتر که بارتولومه آن را رد کرد بسیار محتمل‌تر به نظر می‌رسد. طبق نظر دارمستتر عبارت پیش‌گفته در آغاز کرده ۲۱ و یسپرد به بازخوانی هفت‌ها اشاره دارد.^{۱۶} همان طور که گلدنر در اوستای گردآورده خود نشان می‌دهد، در آغاز کرده ۲۱ و یسپرد نه فقط کل هفت‌ها (یسن ۴۱-۳۵) بلکه موخره اوستایی جدید آن نیز (یسن ۴۲) از نو قرائت می‌شود. از این رو این فرض کاملاً منطقی است که در مراسم و یسپرد و وندیداد عبارت *apara-yasna-haptaṅhāiti* در آغاز کرده ۲۱ و یسپرد، به قرائت دوباره یسنای هپتنگهائیتی اشاره داشته باشد. دستور کوتوال در یک گفتگوی شخصی می‌گفت که دومین خوانش یسنای هپتنگهائیتی در مراسم و یسپرد و وندیداد، مرحله بسیار زیبایی از آیین را نشان می‌دهد است. چون هفت‌های دوم را نه روحانی اصلی (زوت)، بلکه دستیار او، راسپی می‌خواند. زوت این فرصت را می‌یافت تا از بقیه این مرحله لذت ببرد. قرائت دوباره یسنای هپتنگهائیتی دلپذیر و زیبا به نظر می‌رسید، چرا که تلاوت راسپی با طمأنینه و تأکید بیشتر که در نتیجه آن را با بخش‌های مطول پیشین وندیداد و یسپرد متمایز می‌ساخت، همراه بود. در مراسم وندیداد، زیبایی آن لحظه با رسیدن به کرده ۲۱ و یسپرد به اوج می‌رسید، چرا که هنگام سپیده دم بود و مردم به آتشکده وارد می‌شدند.

نکته این جاست که در مراسم وندیداد، نقش کرده ۲۱ و یسپرد دقیقاً همانند قرائت نخست هفت‌ها در یسن ۴۲-۳۵ است. کرده‌های ۲۱-۲۲ و یسپرد تنها نمونه‌ای است که در آن دو فصل ویدیوداد در قبل و بعد از بخش‌هایی از و یسپرد قرائت می‌شود، بدون اینکه هیچ‌هاتی از یسنا در آن قرار گرفته باشد. تنها توجیه مناسبی که برای این امر می‌توان ذکر کرد این است که کل هفت‌ها یعنی *apara-yasna-haptaṅhāiti* است که در بین جفت فصل‌های ویدیوداد قرائت می‌شود. بدین طریق به قرائت دوباره هفت‌ها اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود. علاوه بر این در مراسم و یسپرد پس از این هفت‌های تکرار شده و کرده‌های ۲۱-۲۲ و یسپرد که آن را به عنوان «یسنای هپتنگهائیتی دیگر» *apara-yasna-haptaṅhāiti* می‌ستایند، یسن ۵۲ می‌آید: یک متن اوستایی جدید که به متن کهن اوستایی ضمیمه شده است.

پس از قرائت مجدد هفت‌ها، خود متن نیز در کرده ۲۱ و یسپرد ستوده می‌شود. آبهان، گیاهان، گزینش‌های هدایت‌گر (*frauuāši*) پاکان (کرده ۲۱/۱)، و بالاخره در بند ۴، خود یسنای دیگر *apara-yasna* ستوده می‌شود.

*aparəm yasnəm yazamaide
 aparəhe yasnahe yasnəm yazamaide
 aparəhe yasnahe yazamaide
 hāitišca afsmanāca vacasca vacastašfīmea*

می ستاییم یسنای دیگر را
 می ستاییم ستایش یسنای دیگر را
 می ستاییم فصل ها، هجاها
 واژه ها و بندهای یسنای دیگر را

قراین کافی در این یسن ناظر به این است که *apara-yana-* کوتاه شده همان *apara-yasna-* *haptaṅhāiti* است.

وارد شدن هفت‌ها، هم در مراسم ویسپرد و هم در مراسم وندیداد جایگاه رفیع این متن ویژه را نشان می‌دهد. ترتیب دعاها هر سه متن آیینی مهم زرتشتی پیرامون هفت‌ها دور می‌زند. نه فقط در مراسم یسنا بلکه در مراسم ویسپرد و وندیداد نیز تمرکز بر پایه هفت‌ها است. مراسم یسنا هنگام قرائت یسن ۴۱-۳۵ به اوج می‌رسد، حال آنکه مراسم ویسپرد و وندیداد، در کرده ۲۱ ویسپرد نیز که یسنای هپتنگهائیتی برای مرتبه دوم خوانده می‌شود، به اوج دیگری نیز دست می‌یابد.

در هنگام قرائت یسنای هپتنگهائیتی و گاه‌های پس از آن (۵۴-۳۴) هیچ عمل آیینی به جای آورده نمی‌شود.^{۱۷} اما قرائت بخش‌های دیگر آیین، با اعمالی در خور توجه همراه است. به هر حال، به جای این که نبودن اعمال را به فراموش شدن یا از دست رفتن یک آیین مربوط کنیم، بهتر است آن را به یک سنت باستانی برای هماهنگ شدن با متن یسنای هپتنگهائیتی نسبت دهیم، که هدف آن ستایش اهورامزدا و آفریده‌های مادی و معنوی اوست. هفت‌ها و آیین یزش آب‌ها

همان گونه که در قسمت اول این بحث متذکر شدیم دعاها و عبارت‌های *yazamaide* دار بخش‌های نو اوستایی یسنا، الهام گرفته از یسنای هپتنگهائیتی است. از میان آیین‌های اوستایی جدید که از یسنای هپتنگهائیتی تأثیر گرفته، آیین آبها یا آب‌زوهر را باید نام برد، که بخشی از آیین عبادی یسنا را تشکیل می‌دهد (یسن ۶۲/۱۱- ۷۰). آب‌زوهر در یسن ۶۲/۱۱ با این عبارت کلیشه‌ای آغاز می‌شود:^{۱۸}

(۸) یسن ۶۲/۱۱

aiβi.gərəðmahi apəm varj'hīnəm
frāitīmca paititīmca aibijarətīmca

خوشامد می‌گوییم به پیش رفتن و بازگشتن و
 خوشامد آبهای نیک را
 و با یسن ۷۰/۶ به نوعی با همان عبارت پایان می‌پذیرد:
 (۹) یسن ۷۰/۶

apəm varj'hīnəm yazamaide
frāitīmca paititīmca aibijarətīmca

می‌ستاییم به پیش رفتن و بازگشتن
 و خوشامد آبهای نیک را

تنها تفاوت این دو عبارت کلیشه‌ای جایگزین شدن فعل *aiβi.gərəðmahi* «خوشامد می‌گوییم» در یسن ۶۲/۱۱ با *yazamaide* «می‌ستاییم» در یسن ۷۰/۶ است. یسن ۶۲/۱۱ و یسن ۷۰/۶ به ترتیب آیین آنها (آب زوهر) را شروع کرده و به پایان می‌رسانند. در آغاز و پایان قرار گرفتن آنها نشان می‌دهد که عبارت تقریباً یکسان در دو بند احتمالاً به آن آیین بر می‌گردد.

هر چند در اوستای کهن هیچ شواهدی از وجود دو واژه *frāiti-* و *paititi-* موجود نیست اما شکل آوایی واژه سوم این عبارت *aibijarəti-* «خوشامد» حاکی از این است که این واژه مانند *yazamaide* وام واژه ای از اوستای کهن است که مؤید این امر وجود صامت میان واکی *-b-* به جای صورت اوستایی جدید آن صامت دو لبی سایشی *-β-* است. صورت فعلی *aibijarəti-* که در متن‌های دیگر اوستایی جدید فقط به صورت اوستایی کهن خود یافت می‌شود، متعلق به گروهی از مشتقات ترکیب *aibi-jar* «خوشامدگفتن، استقبال کردن» است. از لحاظ معنایی این کلمات به خوشامدگویی و پذیرش ایزدانی که دعوت را اجابت کرده به محل ستایش آمده‌اند، اشاره دارد. ابقای صورت اوستایی کهن در متون اوستایی جدید نشان می‌دهد که انتقال این دسته از کلمات برای این است که همان‌گونه با استواری در متون کهن اوستایی جای گرفته بودند، درک و از آن جا از طریق قرض‌گیری در متون ستایشی اوستایی جدید به کار گرفته شوند.

تنها متن اوستایی کهن که صورت *aibi-jar* در آن وجود دارد یسنای هپتنگهائیتی است. در بند اول یسن ۳۵/۲ پزشگران اعلام می‌کنند:

(۱۰) یسن ۳۵/۲

*humatanəm hūx tanəm huuarštanəm
iīadacā anīīadacā
vərəziāmnānəm cā vāuūvərəzananəm cā
mahī aibī.jarətārō
naēnaēstārō ʔyaθnā vohunəm mahī*

ما خوشامدگویان اندیشه های نیک، گفتارهای نیک، کردارهای نیک هستیم

که انجام می‌شوند و انجام شده‌اند

اینجا و آنجا هستیم

ما نکوهش گران (چیز) خوب نیستیم

عبارت آغازین «ما خوشامدگویان» در این بند مقدمه گونه هفت‌ها احتمالاً الگویی شده

است برای عبارت‌های کلیشه‌ای آغاز آیین آبها (آب زوهر) یسن ۶۲/۱۱ و خاتمه آن ۷۰/۶.

با وجود این که در یسن ۶۲/۱۱ و یسن ۷۰/۶ عمل «پیش آمدن و پس رفتن و

خوشامد» *frāitīmca paititīmca aibijarətīmca* ویژگی‌هایی هستند متعلق به «آبهای نیک»، اما

همین عبارت در یسن ۷۱/۶ بدون مضاف‌الیه (آبها) آمده است:

(۱۱) یسن ۷۱/۶

*vīspaēca pañca gāθā ašāonīs yazamaide
vīspəmca yasnəm
frāitīmca paititīmca
aibijarətīmca yazamaide*

می‌ستاییم همه پنج گاه پاک را

و می‌ستاییم همه یسنا را

و پیش آمدن و پس رفتن و خوشامد را

بدیهی است که عبارت «پیش آمدن و پس رفتن و خوشامد» در اینجا مانند یسن ۶۲/۱۱ و

۷۰/۶ اشاره به آبهای نیک دارد. از آنجا که در یسن ۷۱/۶ این اعمال به همراه متون، یعنی

«پنج گاه» و «یسنا» ستوده می‌شوند، شاید این عبارت کلیشه‌ای نیز به یک متن اشاره داشته

باشد و آن می‌تواند آیین آبها یا آب‌زوهر باشد که در ترتیب یسنای موجود یسن ۶۲/۱۱ تا

یسن ۷۰ را در بر می‌گیرد.

بارتولومه بر این باور است که دو واژه نخست عبارت *frāitīmca paititīmca aibijarətīmca*

«به پیش رفتن و بازگشتن» معنی می‌دهد و به عمل آیینی مربوط به آب اشاره دارد.^{۱۹} اما

نارتن بر خلاف بارتولومه بر پایه شواهد ودایی معنای آنها را بر عکس می‌داند یعنی frāiti- «روانه شدن» و paititi- «پیش آمدن» (weggehen und herangehen).^{۲۰} برای معنای دقیق‌تر عبارت frāiti- و paititi- «آبهای نیک» می‌توان از نیرنگستان کمک گرفت، آنجا که واژه frāiti- «پیش آمدن» را به عنوان چهارمین و آخرین شاهد می‌توان یافت:

(۱۲) نیرنگستان ۴۸

*kahmāt haca apam vajvīṇam frāitīs frajasaiti
haca hū vax šāt ā hū frāšmō.dātōit pairi.sacaite
taṭ hama taṭ aiβī.gāme
yō āpe zaovṛam frabaraiti
pasca hū frāšmō.dāifim para hū vax šāt
nōit vajhō ahmāt śīiaoṭnəm vərəziieiti
yaṭa yaṭ hīm aṣōis višāpahe gastrəm paitiiāpta karšōit*

از کجا «پیش آمدن» آب‌های نیک پیش می‌روند؟
از طلوع تا غروب خورشید رشد می‌کند
این (چنین است) در تابستان و (نیز چنین است) در زمستان
آن‌کس زوهر را برای آب می‌برد
پس از غروب (و) پیش از طلوع خورشید
نم‌می‌ورزد کرداری بهتر از آن
گویی آن را به دهان^{۲۱} مرسمی می‌ریزد.

متن فوق بخشی از توصیف پنج‌گانه را تشکیل می‌دهد که در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ نیرنگستان آمده است. فصل ۴۸ در واقع تکلمه‌ای است بر فصل ۴۷ نیرنگستان که گاه بامدادی به نام hāuuani را معرفی می‌کند. واگ در نیرنگستان مصحح خود، جای فصل ۴۸ را نادرست دیده و به همین دلیل آن را پس از فصل ۱۰۹ آورده است. اما اگر «پیش آمدن آبهای نیک» را در اشاره به یک عمل آیینی تعبیر کنیم، قرار گرفتن فصل ۴۸ در هنگام برگزاری مراسم یسنا در کنار فصلی مربوط به گاه بامدادی (hāuuani) منطقی‌تر می‌نماید، خواه آن عمل بخشی از آیین یسنا باشد چه به تنهایی و مستقل اجرا شود. این عمل آیینی می‌تواند «آیین آبها»، آب زوهر باشد که همانگونه کوتوال و بوید خاطر نشان کرده اند، هنگام قرائت آن سحرگاه است.^{۲۲}

بر خلاف آن چه که، در متنی دیگر «فراز تازشی آبها» (apam fāra-x šaostra-) ستوده می‌-

شود، در:

(۱۳) یسن ۴۲/۶

apamcā fərax šaostrəm yazamaidē
vaiiamcā fərafraoθrəm yazamaidē

فراز تازشی آب ها را می ستاییم

فرا پروازی پرندگان را می ستاییم

به نظر می رسد پدیده ای صرفاً طبیعی را توصیف می کند. اما- *apam frāiti* «پیش آمدن» آنها در یسن ۶۲/۱۱ و ۷۰/۶ و کرده ۴۸ نیرنگستان احتمالاً بیانگر یک عمل آیینی در مناسک زرتشتی است. همه متونی که در آنها- *frāiti* «پیش آمدن» و- *paititi* «بازگشتن» دیده می شود، تلویحاً در بردارنده یک مفهوم آیینی است؛ به ویژه جفت بودن این دو واژه که ظاهراً بیانگر فرایند بخصوصی است که در طول مراسم اتفاق می افتد، چرا که جریان پیش آمدن و پس رفتن آن دقیقاً چیزی است که در هنگام آب زوهر روی می دهد. روحانی اصلی (زوت) شربت تهیه شده طبق آیین و متبرک را به نام زوهر از جام در دست چپ خود به جام دست راست، سپس از جام دست راست به جام دست چپ متوالیاً می ریزد. بدین ترتیب معجون پی در پی عقب و جلو رفته ریخته می شود.^{۲۳} بنابراین باهمایی دو واژه *frāitīmca* *paititīmca* می تواند یک اصطلاح اوستایی باشد که این حرکتهای آب را که در هنگام مراسم آب زوهر اتفاق می افتد، توصیف می کند. اگر چنین باشد نوعی هماهنگی بین مضمون متنی که در مراسم یسنا خوانده می شود و عمل آیینی همراه با آن صورت می گیرد. این گونه هماهنگی نشان می دهد که متن اوستایی آب زوهر حاوی بخش هایی است که با نظر به عمل آیینی آن تألیف شده است. با این فرض سابقه آیین آبها، آب زوهر حداقل به دوره اوستایی جدید برمی گردد.

متون اوستایی جدید مربوط به آیین آبها نشانه هایی از وابستگی به یک الگوی کهن اوستایی با خود دارد. اسم- *aibijaraiti* «خوشامد» که یک وام واژه اوستایی کهن است، این مطلب را به خوبی نشان می دهد. این واژه بخشی از عبارت کلیشه ای «پیش آمدن و بازگشتن و خوشامد آبهای نیک» را تشکیل می دهد که آب زوهر را در یسن ۶۲/۱۱ آغاز کرده و در یسن ۷۰/۶ به انجام می رسانند. ارتباط *aibi-jar* با یسنای هپتنگهائی را شواهد فعل *aiβi/auui-jar* «خوشامد گفتن» نیز آشکار می سازد که در آنها پیشوند فعلی به جای صورت کهن اوستایی *aibi*، با صورت اوستایی جدید خود عرضه شده اند. این فعل در بندهایی که بخش جدیدی را معرفی می کنند، آمده است. این امر تنها به یسن ۶۲/۱۱ «خوشامد می گوئیم» محدود نمی-

شود، بلکه دو مورد از سه مورد موجود دیگر نیز آن را می‌بینیم. دومین مورد حضور فصل
aiβi/auui-jar صراحتاً به هفت‌ها اشاره دارد:

(۱۴) ویسپرد کرده ۱۷/۱

*aiβi.gərəδmahī
yasnahe haptayhātōiš
humataca hūxtaca huuarštaca
aiβi.gərəδmahī ašəm vohū*

خوشامد می‌گوییم

اندیشه‌های نیک، گفتارهای نیک، کردارهای نیک

یسنای هفت‌ها را

خوشامد می‌گوییم راستی نیک را

متن فوق از یکی از کرده‌های ویسپرد است که بعد از هفت‌ها قرائت می‌شود و متن هفت‌ها
را می‌ستاید. واژه‌های *humataca hūxtacahuuarštaca* احتمالاً نقل کلمات آغازین هفت‌ها در
یسن ۳۵/۲ (شماره ۱) است که در آن *aibi.jar* نیز وجود دارد. سومین شاهد از حضور این فعل
را در دو بند آغازین کرده ۲۱ ویسپرد می‌توان دید که پس از «یسنای هپتنگه‌ائیتی دیگر»
قرائت می‌شود و این نیز همان متن را می‌ستاید:

(۱۵) ویسپرد، کرده ۲۱/۱

*auui aṛqmca vaj'hīnqm
uruuaraqmca x'aβīranqm
ašaonqmca frauuašīnqm
yasnəm gərəδmahī vahməmca
auui āyhamciṭ yā vaj'hiš
yā āpō yāšca uruuarā
yāšca ašaonqm frauuašīiō
yasnəm gərəδmahī vahməmca*

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

آبهای نیک

گیاهان بارور

گزینش‌های هدایتگر پاکان

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

آنانکه نیک هستند

یعنی آبها، گیاهان
و گزینش‌های هدایتگر پاکان
ویسپرد، کرده ۲۱/۲

*auui gēuš auui gaiiehe
auui maθrahe spəntahe
ašaonō vərəziian hahe
yasnəm gərədmahi vahməmca
auui tauua ahura mazda
yasnəm gərədmahi vahməmca
auui tauua zaraθuštra
yasnəm gərədmahi vahməmca
auui tauua ratuuō bərəza
yasnəm gərədmahi vahməmca
auui aməšanəm spəntanəm
yasnəm gərədmahi vahməmca*

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

گاو، gaiia

مانسر افزون بخش

اشو، آنکه نیروی زندگی‌اش سرشار است

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

تو، ای سرور دانا

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

تو، ای زرتشت

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

تو، ای رد بلند مرتبه

خوشامد می‌گوییم ستایش و نیایش

بی‌مرگان افزون بخش

علاوه بر این، نشان دیگر از زبان هفت‌ها در کرده های ۲-۲۱/۱ ویسپرد وجود عبارت *yasnem... vahməmca* است، این واژه‌ها نخستین بار در هفت‌ها به کار رفته است (یسن ۳۵/۷). در نتیجه هر چند فعل *aiβi/auui jar* با صورت اوستایی جدید خود می‌آید، اما همیشه در متونی به کار رفته که با هفت‌ها پیوند دارد. در واقع همه شواهدی که از این خانواده واژه‌ها وجود دارد در همه حال یادآور هفت‌ها است.

آیین آنها (آب زوهر) و هفت‌ها از این جهت که در هر دو یسن بخش مرکزی را ستایش آنها تشکیل می‌دهد، با یکدیگر ربط پیدا می‌کنند. در عبارات مقدمه و موخره آب زوهر واژه *aibi.jarəiti-* با این صورت کهن خود، از اصطلاحات آیینی اوستایی کهن است. نقل عبارتی از هفت‌ها *apō a t̥ yazamaide* «آنها را می‌ستایم» (یسن ۳۸/۳ا) در یسن ۶۳/۳ با صورت کهن اوستایی *at* و به کار رفتن *?* بدون کشیدگی پایانی، و علاوه بر آن تکرار بخش‌های کاملی از یسنای هپتنگهائیتی پیوند دو متن را بیشتر می‌کند: ستایش آنها که مضمون‌های ۵-۲ یسن ۳۸ (از هفت‌ها) است، در آیین آنها (یسن ۸-۶/۶۷ و یسن ۲۱-۲۰/۶۸) تکرار می‌شود.

واژه *yasna-* در اوستا

همانگونه که قبلاً در کرده ۲۱/۴ و یسپرد (شماره ۹) دیدیم، یسنای هپتنگهائیتی می‌تواند فقط به صورت یسنا بدون اضافه شدن هپتنگهائیتی به آن به کار رود. معهدا باز این پرسش مطرح است که آیا هیچ شاهدی در اوستا وجود دارد که یسنا به تنهایی به عنوان متن هفتاد و دو فصلی به کار رفته باشد. بحث زیر به کاربرد این واژه در اوستا می‌پردازد، از این رو متونی که در آنها واژه یسنا به یک متن اشاره دارد برای این بحث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واژه اوستایی *yasNa-* به معنی «ستایش» دقیقاً معادل است با واژه خویشاوند ودایی آن *yajñá-* که اسمی است به معنای «نذر» یا «ستایش». در اغلب شواهد اوستایی واژه یسنا به «ستایش» اهورامزدا و آفریده‌هایش اشاره دارد. به ویژه باهم‌آیی مکرر واژه‌های

(16) yasnāica vahmāica x šnaoθrāica frasastaiiaēca

«برای ستایش، نیایش، خشنودی و شکوه»

در تداعی عبارت‌های کلیشه‌ای اوستایی جدید،^{۲۴} مفعول ستایش معمولاً یا خود اهورامزدا است یا یکی از آفریده‌های مینویی یا مادی او، هر چند گاهی این عبارت برای دیوان نیز به کار برده می‌شود، برای مثال در

(۱۷) و یسپرد ۱۶/۱۱

daēuuanqm yasnāica vahmāica

برای ستایش و نیایش دیوان

یسنا جز این به متن خاصی نیز که از این نام برخوردار است، اطلاق می‌شود. در بسیاری موارد این متن صراحتاً با نام هپتنگهائیتی «ستایش درهفت فصل» معرفی می‌شود، برای مثال در عبارت کلیشه‌ای (۱۸) یسن ۷۱/۱۲، ویسپرد کرده ۱۶/۰ و ۲/۷

yasnəm sūrəm haptanḥātīm
aḡaunanəm aḡahe ratīm yazamaide

می‌ستاییم یسنای نیرومند هفت‌ها را

اهلو را، رد راستی را

اما جز این، در شش جا، یسنا به تنهایی آمده که دلالت بر متن بخصوصی می‌کند. قبلاً خاطر نشان کردیم که در کرده ۲۱/۴ ویسپرد (شماره ۷) آنجا که *aparəm yasnəm* به یسنای هپتنگهائیتی دیگر در آغاز کرده ۲۱ ویسپرد و در یسن ۷۱ (شماره ۱۱) اشاره دارد، متن‌های قرائت شده را می‌ستاید؛ یعنی گاهان، یسنا و آب زوهر را. در باره این که چرا نتوان *vīspəm yasnəm* «همه یسنا»، در پایان بند مذکور را اشاره به کل متن ۷۲ فصلی یسنا دانست، باید گفت که در این بند، گاهان نیز با عنوان *vīspaēca... gāḡā* «وهمه گاهان» خوانده شده، و ما به یقین می‌دانیم که گاهان تنها بخشی از یسنای ۷۲ فصلی را تشکیل می‌دهد. بنابراین از آنجا که گاهان و آب زوهر به وضوح بخش‌هایی از آیین یسنا را باز می‌نمایند، احتمالاً برداشت بارتولومه در مورد اینکه منظور از *vīspəm yasnəm* هفت‌ها است، درست بوده است.^{۲۵}

چهار مورد باقی مانده دیگر که واژه *yasna-* را به مفهوم یک متن دربردارد، در نیرنگستان است. (فصل‌های ۲۰، ۲۲، ۲۴ و ۴۰) در فصل ۲۲ قرائت گاهان در کنار قرائت یسنا نهاده شده است.

(۱۹) نیرنگستان ۲۲

ˊsraoθra ˊnā gāθanəm ˊratuθriš
paiti.astica yasnahe
aða fšūšō maθrahe
āhe ži nā ˊsrauuahō
ˊafraṃəraiti āstriieite
yaθa gāθanəmcit
gaθā srāuuaiiō
yasnəm yazəntəm paitištāiti
vīspanəm gāθanəm ratuθriš
yasnəm yazāiti
gāθanəm ˊsrāuuaiiamnanəm paitišti
yasnahe aēuuahē ratuθriš
aratuθriš gāθanəm

مرد هنگامی که گاهان تلاوت می‌شود

در ستایش می‌ایستد

و نیز در مانسر پروراندۀ جانداران اهلی، ردان را خشنود می‌سازد

زیرا مرد گناه می‌کند

که این کلام را بر نمی‌شمرد

چنین است (در مورد) گاهان.

آنکه در حالی که گاهان را می‌خواند

در کنار آن که یسنا را می‌ستاید، می‌ایستد

ردان همهٔ گاهان را خشنود می‌سازد.

اگر یسنا را می‌ستاید

وهنگام تلاوت گاهان می‌ایستد

آن کس ردِ تنها یسنا را خشنود می‌سازد

(اما) ردان گاهان را خشنود نمی‌سازد.

این متن درباره قرائت متونی از اوستای کهن از جمله هفت‌ها است. دلیلی که نشان می‌دهد

منظور از یسنا در متن فوق هفت‌هاست،^{۲۷} نه تنها قرینه شدن واژهٔ گاهان در کنار آن، بلکه

ذکر متن دیگری از آیین یسنا به نام «مانسر پروراندۀ جانداران اهلی» *fšūšō maθra* (مضمون

یسن ۵۸) است. بنابراین توجیهی بر اطلاق یسنا به همه ۷۲ فصل وجود ندارد. از این گذشته اگر

بپذیریم یسنا در اینجا به هفت‌ها اشاره دارد، این متن شاهی است بر این مدعا که یسنای

هپتنگه‌ایستی بخشی از گاهان قلمداد می‌شده است.

در نیرنگستان بحث قرائت متون مقدس با این مسئله ادامه می‌یابد که دو روحانی همزمان به قرائت متون می‌پردازند و یکی از آنها در حین اجرای مراسم یسنا به جای تمرکز بر کار خود، به گونه‌ای ناپسند به قرائت روحانی دیگر گوش می‌دهد.^{۲۸} چنین رفتاری «رد پسند نیست»:

(۲۰) نیرنگستان فرگرد ۲۴

yā yasnəm yazənti
**afsmainiiuuq vā vacastaštiiuuat vā*
*uuu *ratufriia*
*həm.sruṭ *vācīiāda *yazənti*
**uuu aratufriia*
kaṭ hām.sruṭ.vācimca
*yaṭ hakaṭ *āmṛūtō*
*afsmainiiuuqncā *vacastaštiiuuṭca*
*auui *ainiiō *surunuuaiti nōiṭ ainiiō*
*aēšō ratufriš yō nōiṭ *aiβi.sūrūnuuaiti*

اگر آنها که یسنا را برگزار می‌کنند

در مصاریع یا بندها

هر دوی آنها ردان را خشنود می‌سازند

اگر آنها برگزار می‌کنند در حالی که به کلام یکدیگر گوش می‌کنند

هیچکدام از آنها ردان را خشنود نمی‌سازد

و چه (است) گوش کردن به کلام دیگری؟

هنگامی که هر دو همزمان می‌خوانند

در مصاریع و بندها

(و) یکی گوش می‌کند، اما دیگری نمی‌کند

آنکه گوش نمی‌کند ردان را خشنود می‌سازد

هر چند صورت اشتقاقی واژه‌های *yasnəm yaz* به گونه‌ای است که می‌توان همانند کوتوال و کرینبروک «اجرای عمل ستایش» ترجمه کرد،^{۲۹} اما قرائن محکم‌تری در فرگردهای ۲۲-۲۴ نیرنگستان دال بر این تعبیر وجود دارد که متن فوق درباره قرائت یسنای هپتنگهائیتی سخن می‌گوید. چنانکه فرگرد ۲۲ نیرنگستان (شماره ۱۹) و برخی متون پهلوی این را به وضوح نشان می‌دهد.^{۳۰}

در فصل ۴۰ نیرنگستان نیز تقابل *hāiti-* را در اشاره به گاهان و *yasna-* را در اشاره به یسنای هپتنگهائیتی می‌توان مشاهده کرد:

(۲۱) نیرنگستان ۴۰

kahiiaciṭ na dahmanəm zaōvraōa ratuṣṣis
**nāirikaiiāsciṭ apərənāiiūkaheciṭ*
yezi vaēṭa hādanəm θbarəsēsca frataurunāsca
*āntarə hāitiṣu yasnəm *frāiiāzōiṭ*

ردان را خشنود می‌سازد با زوتی هر فرد (مرد) اجتماع
یا زنی یا نابرنایی
اگر او بداند آغازها و پایان‌های هات‌ها را
(و) بخواند^{۳۱} ستایش را بین هات‌ها

کوتوال و کریبروک در آخرین نسخه ویراسته خود از نیرنگستان، *yəṅhē hātəm* را جایگزین *yasnəm* کرده‌اند.^{۳۲} حال آنکه اگر *yasnəm* را اشاره به یسنای هپتنگهائیتی که در میان *hāiti* گاهان قرائت می‌شود، تعبیر کنیم، نیازی به این جایگزینی نیست.^{۳۳} از این بررسی روشن می‌شود که هر جا در متون اوستایی واژه *yasna-* دلالت بر یک متن کند، منظور یسنای هپتنگهائیتی است. ممکن است شخص از خود بپرسد که آیا عبارت *staota-* *yesniia-* که در اوستای جدید به بخش مرکزی یسنا اشاره دارد،^{۳۴} می‌توان «نیایش‌های از آن ستایش» در معنی «نیایش ترتیب یافته پیرامون یسنا» و یسنا یعنی یسنای هپتنگهائیتی ترجمه کرد؟ چه بسا در کهن‌ترین وجه این آیین منظور از *staota-* «ستایش‌ها» همان گاهان بوده است.

نتیجه‌گیری

گرچه زبان هفت‌ها نیز به گویش اوستایی کهن تعلق دارد، اما از جهات متعدد با گاهان متفاوت است. از جمله اینکه از لحاظ صوری یسنای هپتنگهائیتی –بر خلاف گاهان– در وزن کمی هجایی تألیف نشده، بلکه نثری موزون دارد.^{۳۵} دیگر اینکه، نقش آیینی گاهان به روشنی معلوم نیست، اما در مورد یسنای هپتنگهائیتی آشکار است. استفاده غالب از اول شخص جمع

«ما» در یسنای هپتنگهائیتی، بر خلاف گاهان که اول شخص مفرد «من» است، نشان می‌دهد که متن توسط یا به نمایندگی گروه مزدیسنان نیایشگر برای تلاوت در نظر گرفته شده است. همانگونه که دیدیم اشارات صریحی هم در خصوص آتش آیینی که یزشگران در برابر آن می‌ایستند وجود دارد. از این گذشته، با آنکه گاهان سرشار است از اشاراتی در طرد دیوان، در هفت‌ها هیچ ذکری از آن به میان نیامده است.

بنابراین روشن می‌شود که هفت‌ها متن ستایشی تمام عیاری است که تماماً به ستایش و نیایش، به زبان هفت‌ها، *yasnəmca vahməmca* اهورامزدا و آفریده‌های مینویی و مادی او اختصاص دارد. افزون بر این، یزشگران التزام خود را به اختصاص اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای خود برای تقویت و حمایت آنچه که نیکی است، نشان می‌دهند. هفت‌ها از آن جهت که یک متن نیایش آیینی است، به مراتب بیش از گاهان الگوی دوره‌های بعدی قرار گرفته است. منشأ الهام بودن هفت‌ها و وام‌گیری جملاتی از آن در هنگام تصنیف ستایش‌های اوستایی جدید، و نیز موقعیت مرکزی و محوری آن در ترتیب مراسم یسنا، ویسپرد و وندیداد نشان می‌دهد که روحانیون دوره اوستایی جدید، هم از اهمیت آیینی و هم از اهمیت نظری یسنای هپتنگهائیتی آگاه بوده‌اند.

پی‌نوشتها:

۱ - قدیمی‌ترین اثری که واژه یسنا با این مفهوم در آن به کار رفته، از مسعودی متوفی ۹۵۶ م. است. اگر آنچه را که او ایسناد نامیده، بتوان تصحیفی از یسن دانست. نک ←

Masoudi, *Les Prairies d'or. Texte et traduction* by C. Barbier de Meynard/pavet de Courteille (Paris, 1863), vol. 2, p. 125; J. Darmesteter, *Le Zend-Avesta. Traduction nouvelle avec commentaire historique et philologique*. 3 vols. (Paris, 1892-93, repr. 1960), vol. 1, p. LXXXVIII, cf. J. Kellens, *Considérations sur l'histoire de l'Avesta*, *Journal Asiatique* 286, 1998, p. 479; A. Shboul, *Al-Masūdī and his World. A Muslim Humanist and his Interest in non-Muslims* (London, 1979), p. 288.

اصطلاح فارسی جدید جشن، که ادامه طبیعی واژه بازسازی شده **jašna* است، دلالت می‌کند بر یکی از مراسم آیینی.

2 - A. Panaino, *Philologia Avestica IV: Av. yaštay-/yešti-; phl. yašt. Quelques réflexions sur les titres des hymnes de l'Avesta*, *Studia Iranica* 23, 1994, p. 176 f.; F. M. Kotwal/J. W. Boyd, *A Persian Offering. The Yasna: A Zoroastrian High Liturgy* (Paris, 1991), p. 90, n. 82.

3 - Kellens, *Considérations sur l'histoire de l'Avesta*, pp. 480 f.

4- See A. Hintze, *On the literary structure of the Older Avesta*, *Bulletin of the School of Oriental and African studies* 65, 2002, pp. 31-51.

- ۵- همه ترجمه‌های انگلیسی متونی که از هفت‌ها نقل شده اقتباس است از ترجمه:
 J. Narten, *Der yasna haptanḥāiti* (Wiesbaden, 1986), pp. 38-48.
 گزارشی نیز که از یسن ۳۶ در اینجا ارائه گردید از نارتن است. همانجا ص. ۲۶. قس ←
- Hintze, *On the literary structure of the Older Avesta*, pp. 46-50.
 6- See Narten, *Der yasna haptanḥāiti*, pp. 167 f.
 7- See Narten, *Der yasna haptanḥāiti*, pp. 167 f.
- ۷- در باره- fsəratū- نک ← Narten, *Der yasna haptanḥāiti*, pp. 186-188. «خوشی»
 بر اساس پیوند اشتقاقی این واژه است با واژه ودایی- psaras- «لذت، خوشی»، نک ←
 H. Humbach, *The Gāthās of Zarathustra and the Other Old Avestan Texts* (Heidelberg, 1991), vol. 2, p. 124; M. Mayerhofer, *Etymologisches Wörterbuch des Altindoarischen*, 3 vols. (Heidelberg, 1986 ff.), vol. 2, p. 198.
- ۸- در باره این فعل نک ← Narten, *Der yasna haptanḥāiti*, pp. 167 f
- 9- See Narten, *Der yasna haptanḥāiti*, p. 173 n. 18 (text passages).
 یسن ۵۸ را به تفصیل پیرار مورد بررسی قرار داده است. در این باره نک ←
- E.V. Pirart. *Les fragments viril-avestiques du Y 58*, *Annali del Istituto Universitario Orientale di Napoli* 52, 1992, pp. 225-247.
- 10 - J. Kellens, *condidérations sur les premiers chapitres du Yasna*. *Journal Asiatique* 284, 1996, pp. 37-108, p. 44.
- 11 - Kellens, *condidérations sur les premiers chapitres du Yasna*, pp. 45-46.
- ۱۲- در باره دعای ینگه هاتام نک ←
- C. G. Cereti, *The Zand Wahman Yasn. A Zoroastrian Apocalypse* (Serie Orientale Roma 75: Roma 1995), p. 197 with references.
 نارتن به طور مبسوطی این دعا و شرح اوستایی جدید آن را تجزیه و تحلیل کرده است. در این باره نک ←
- J. Narten, *Die amaša spəntas im Avesta* (Wiesbaden, 1982), pp. 80-97.
- ۱۳- همانگونه که دارمستتر بارها گفته است یسن «ستایش» اختصاص یافته به یک ایزد است. نک ←
- Darmesteter, *Le Zand – Avesta*, vol. 2, p. 322. cf. Panaino, *Philologia Avestica IV: Av. yaštay-/yēš ī-; yašta-; phl. yašt*, p. 171.
- 14 - See K. F. Geldner, *Awestalitteratur Grundriss der Iranischen Philologie*, ed. W. Geiger/E. Kuhn Stuttgart, 1896-1904), pp. 10-12; Darmesteter, *Le Zend-Avesta*, vol. 1, p. LXVI
- 15 - Chr. Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch* (Strasbourg, 1904), cols. 1272 f.
- 16 - Darmesteter, *Le Zend-Avesta*, vol. 1, p. 487 f. with n. 4; cf. K. F. Geldner, *Avesta. The sacred books of the parsis*, 3 vols. (Stuttgart, 1889-1896), vol. 2, p. 28 ad Vr 21.0 n. 3.
- 17- Kotwal/Boyd, *a Persian Offering*, pp. 112-115.
 دستور کوتوال و رامیار کرانجیا در یک گفتگوی حضوری با نگارنده این گفته را تأیید کردند.

۱۸- بنا به گفته کوتوال/بوید، آب زوهر با یسن ۶۲/۱۱ شروع می‌شود و در یسن ۷۰/۸ پایان می‌پذیرد. اما باید خاطر نشان کرد که یسن ۷۰/۷، آخرین بند یسن ۷۰، تکرار یسن ۵۷/۴ است و اوستای گلدنر نیز یسن ۷۰/۸ را ندارد. آیین آب زوهر توسط مری بویس مورد بحث قرار گرفته است: Kotwal/Boyd, *A Persian Offering*, pp.119 f. n.; M. Boyce *ātaš-zōhr and āb zōhr*, *Journal of the Royal Asiatic society* 1966, pp. 110 ff.
19 - Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, cols. 1010 and 829
20 - Narten, *Der yasna haptanḥāiti*, p. 90 n. 15.

۲۱- در باره مصحف نک ← *gasTrem* به جای *vasTrem*

A. Waag, *Nirangistan. Der awestatraktat über die rituellen vorschriften* (Leipzig, 1940), p. 139.

۲۲- کوتوال/بوید یادآور می‌شوند که این حکم را در مراسم وندیداد نیز که در نیمه شب شروع می‌شود، می‌توان مشاهده کرد، چرا که گاه بامدادی، هاون گاه در زمانی که آیین به یسنا ۶۵ رسیده، شروع شده است. نک ←

Kotwal/Boyd, *A Persian Offering*, p. 121 n. 140.

23 - Kotwal/Boyd, *A Persian Offering*, p. 121, cf. p. 124.

۲۴- برای مثال در گاه ۱/۱ و متون متعدد دیگر، نک ←

Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, col. 557.

25 - Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, col. 1272.

۲۶- در باره فصل ۲۰ نیرنگستان نک ← یادداشت شماره ۲۹.

۲۷- عقیده بارتولومه است. ←

Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, col. 1272.

28 - F. M. Kotwal/ph. G. Kreyenbroek, *The Hērbestān ānd Nērangestān*, vol. 2: *Nērangestān*, *Fragard I* (Paris, 1995), p.

در توضیحات یادداشت شماره ۹۵ آمده است که هنوز روحانیون نائوساری چنان آموزش دیده اند که

صرفاً به قرائت خود تمرکز می‌کنند و قرائت روحانیون دیگری که در محل اجرای آیین در کنار او

قرار دارند، نادیده می‌گیرند. برای شرح واژگان نیرنگستان ۲۴ ←

A. Hintze, *When the stars rise: the Avestan expression al Isru{rIma- albIgaIIa- Religious themes and texts of pre-Islamic Iran central Asia: studies in honour of professor Gherardo Gnoli on the occasion of his 65th birthday on 6 December 2002*, eds. M. Maggi et al. (Wiesbaden, 2002), pp. 138-140

29 - Kotwal/ph. G. Kreyenbroek, *The The Hērbestān ānd Nērangestān*, vol. 2. 49.

صورت اشتقاقی *yasnəm yaz* در ۱/۲۴ نیز به کار رفته است، که در آن به معنی «ستایش» است

و ظاهراً به متن خاصی اشاره ندارد. در فرگرد ۸۱ نیرنگستان *ahuna- yasna- haptanḥāiti* بعد از

vairiia- آمده است. در فصل ۲۰ نیرنگستان که *yasna-* با صورت ناگذر (*yasnəm yazəmnahe*) به

کار رفته، برخلاف نیرنگستان ۸۱ بدون *haptanḥāiti-*، با این حال ممکن است اشاره به همان متن داشته باشد، چون پس از *ahuna-vairiia-* آمده است. در باره *yasnəm yaz* قس ←

Kellens, *Considérations sur l'histoire de l'Avesta*, p. 481.

30 - cf. Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, col. 1272 with n. 2

۳۱- واگ *frāiziš* تصحیف شده را به *†frāiazōi* تصحیح کرده است و هومباخ به *†frāiazōi* نک ←

Waag, *Nirangistan*, p. 58; H. Humbach, *Textkritische Bemerkungen zum Nirangistān*, *Kuhns Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung* 77, 1961, p. 108.

32 - Kotwal/ph. G. Kreyenbroek, *The Hērbestān ānd Nērangestān*, vol. 2, p. 123 with n. 437

۳۳- در باره اشاره خاص *hāiti-* به گاهان نک ←

Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, col. 1801.

34- cf. Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, col. 1589.

35 - See Hintze, *On the literary structure of the Older Avesta*, p. 32 n. 3 (with references).